



میر عبدالواحد سادات ۱

دزدی پول

فقیر ترین مردم دنیا توسط بزرگترین امپراطوری جهان

رئیس جمهور امریکا فرمان صادر نمود تا سه و نیم میلیارد پول مردم افغانستان به قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر تعلق گیرد .

درین نوشته با حد اکثر ایجاز جوانب مختلف این فرمان غارتگرانه را بررسی مینمایم :
قبل از همه باید گفت که پرداختن به چگونگی وقوع حادثه و عوامل و عاملان آن اماچ این نبشته نمی باشد . هزاران نوشته و دهها کتاب بنشر رسیده است که تعریف رسمی دولت امریکا در مورد حادثه را زیرسوال قرار می دهد و همانند " تیری میسان " در کتاب " دروغ بزرگ " این رویداد غم انگیز را به سکانداران قدرت امریکا حواله می دهد .

پینه زدن مردم افغانستان با حادثه :

از همان روز یازدهم سپتامبر رئیس جمهور و مجموع اراکین قدرت حادثه را تروریستی و کارسازمان القاعده خوانده اند و ترکیب تروریستان را چنین اعلام نموده اند :

- (۱۵) تن از عربستان سعودی

- (۲) از امارات

- (۱) مصری

- (۱) لبنانی

که اکثریت شان درس خوانده های ایالات متحده امریکا بوده اند .

لشکر کشی به افغانستان تحت عنوان سرکوب القاعده و رهبر آن اوسامه بن لادن طراح و سازمانده حملات و نابودی طالبان بمثابه میزبانان آنان انجام یافت .

بدین ترتیب :

هیچک از افغانان مظلوم که قربانیان اصلی حضور تروریستان اند و استبداد سیاه طالبان را متحمل شده و درین دو دهه

جنگ و تجاوز را متقبل شده اند و اکنون نیز در معرض قحطی و فاجعه بشری قرار دارند، در حوادث تروریستی دخیل نبوده و متهم نگردیده اند .

بدینرو سوال اساسی این است که چرا و مطابق به کدام نورم و معیار حقوقی و اخلاقی جبران خساره بپردازند ؟

چنانچه سازمان ملل متحد و مراجع بین المللی و منجمله دیده بان حقوق بشر اعلام نموده است :

« بمردم افغانستان تعلق دارد »

و از حکومت ها و گروه ها نمی باشد .

چگونه میتوان این تصمیم غارتگرانه رهبر بزرگترین امپراطوری جهان را در قبال فقیرترین مردم دنیا که در بدترین حالت مرگ و زندگی قرار دارند ، توجیه نمود .

اقای بارنت رویین افغانستان شناس معروف امریکایی در رابطه مینویسد :
« ثروتمندترین کشور جهان تصمیم گرفته است به نام عدالت ، فقیرترین کشور جهان را غارت کند »

ادام واینستین پژوهشگر موسسه کوهینسی ، استفاده از ذخایر ارزی افغانستان را بنام جبران خسارت ، دزدی خوانده است که استدلال قانونی ندارد .

در همناوی با این دانشمندان امریکایی باید گفت که :
این قلدر منشی خاطرات تلخ دهه هفتاد و دزدی و چپاول تنظیم ها به اذهان تداعی مینماید که بایسکل و موتر شخصی اشخاص بر خود مالک می فروختند .

در بحبوحه این تصمیم چپاول گرانه ، وزارت خارجه امریکا با کمال سبک سری و در صحبت توجیه گرانه ، به زخم مردم مظلوم ما نمک می پاشد و با نهایت بی ازرمی می گوید :

« وزارت خارجه امریکا به حمایت از قربانیان و خانواده های آنان ادامه خواهد داد » !!!
ایا این فرمان توجیه حقوقی دارد ؟

از قرار معلوم فرامین روسای جمهور در ذمه « سند تقنینی » پنداشته می شود و در صورتیکه خود فرمان مجوز قانونی و تمسک حقوقی نداشته باشد ، معروض به بطلان و « کان لم یکن » می باشد .

در حقوق معاصر چه در عرصه ملی و بین المللی مسله مشروعیت مطرح است . از جمله در موضوعات « جرم » ، « مجرم » ، « اتهام » ، « متهم » ، پرنسپ های جهانشمول « مشروعیت جرم و جزأ » وجود دارد که در تمام قوانین جزایی کشورها مسجل می باشد .

پس در صورتیکه هیچگونه عنصر جرمی علیه افغانان وجود نداشته است ، چگونه میتوان علیه آنان اعلام جرم نمود ؟ و آنان را مستوجب مجازات دانست ؟

این فرمان در واقع مصادره دارایی مردم افغانستان است که بدون شک اتخاذ همچو تصمیم مربوط رییس اجرایی یک کشور نمی شود .

بدینترتیب :

فرمان آقای رییس جمهور امریکا فاقد تمام ارزش های حقوقی بوده و هیچگونه استناد و توجیه قانونی ندارد و حسب اصل جهانی و قبول شده حقوقی از اساس باطل و :

کان لم یکن است !

از جانب دیگر ، این « شهکار » رییس جمهور امریکا در مغایرت با تمام اصول قبول شده جهانی مندرج در میثاقهای بین المللی قرارداسسته و ناقض معیار های پذیرفته شده فی مابین کشور ها است .

صدور این فرمان « شاهانه » مبین اثر و رسوخ عالیترین مراجع قوه اجراییه را بر قوه قضاییه بوده واستقلال محاکم امریکا را زیر سوال میبرد .

این فرمان مشوق سقوط اقتصادی افغانستان که بدترین فاجعه حقوق بشری را در قبال دارد که حق حیات ملیونها افغان را تهدید مینماید ، به همین دلیل مندرجات فرمان با روح قانون اساسی امریکا و اعلامیه جهانی حقوق بشر در تناقض کامل قرار دارد .

اظهر من الشمس است که :

شکایت قربانیان بر علیه سازمانهای تروریستی و دولت های حامی تروریسم است و هر وجدان سالم و عقل سلیم میداند که :

این دولت عربستان سعودی است که باید ، محاکمه گردد و جبران خساره بپردازد و یا این دولت پاکستان که بمثابه حامی و میزبان اوسامه بن لادن باید مورد محاکمه و تعزیرات شدید قرار گیرد .

زمانیکه اوسامه بن لادن بحدیث تروریست شیر و خطرناک واجب القتل است ، حامی و میزبان باید مجازات گردد .

هیئات ازین بی تمیزی ها :

افغانستان را بخاطر حضور اوسامه بخاک و خون کشانیدند و ملیونها تن بمب و بشمول مادریمب را استعمال نمودند و اما :

در برابر دهسال مخفی نگهداشتن و نگهداری آن در اسلام آباد ، دولت پاکستان را انعام می دهند . اگر قربانیان شکایت علیه طالبان دارند ، باید یخن روسای جمهور خود را بگیرند که به آنان « عصای پادشاهی داده اند» و در یک معامله مرموز استخباراتی با افراد شامل فهرست سیاه قرار دادعقدنموده ، قدرت دولتی و بیشتر از هشتادمیلیارد دالر سلاح و مهمات را در اختیار شان قرار داده اند . مبرهن است که دولت امریکا با پول و سرمایه های قارونی رهبران زراندوزطالبان همانند دزدان دیروز مخالفت ندارد .

در حالیکه هیچگونه توجیه حقوقی و اخلاقی بخاطر این دزدی پول مردم مظلوم ما وجود ندارد ، صاف و ساده این اقدام یک :

قلدری ، زورگویی ، عقده گشایی ناشی از شکست افتضاح امیز در پانزدهم اگست سال پار ترسای اس ت که میتوان انراچنین تعریف نمود :

قانون جنگل (The law of the jungle) !!!

و حتی در احوال حکمروایی ترامپ و بایدن :

گذار قهقراپی از قانون جنگل به جنگل بدون قانون !!!

مشخصه گذار به " قانون جنگل " ، برگشت به بدویت میباشد.

اساس قانون جنگل این است که :

– « بکش ، یا کشته شو »

– « بخور و با خورده می شوی »

که رودیار کیپلنگ در کتاب « قانون جنگل » انرا در پیمان گرگ ها با سایر حیوانات توضیح نموده است .

این احوال اسفناک در واقع همان بازگشت به وضع طبیعی و جهان « هاپسی ، یا هاپزی » می باشد ، که فیلسوف بزرگ انگلستان ، توماس هاپز (Thomas hobbes) در کتاب لویاتان (Leviathan) خود توضیح داده است .

جهان هاپسی :

گذار از حالت طبیعی به مدنی ، مرز و معیار رفتن به مدنیت و مدنی شدن است .

سردمدار قبلی و فعلی قصر سپید همچون " اژدهای شیر " (لویاتان که ذکر ان در تورات رفته است و هاپس انرا بحیث نام کتاب خود انتخاب نموده است) ، " جهان هاپسی – هاپز " را رقم زده اند :

- حق داشتن به همه چیز

- هیچ چیز غیر عادلانه و غیر اخلاقی نیست

- فقدان مفاهیم خطا، عدالت و انصاف

که همان:

قانون بی " قانون " و قانون برتر از " قانون " است. و از زمانی حکایه مینماید که:

" قانون " به مصاف عدالت و انصاف می رود.

و حالتی مستولی میگردد که:

" ماهی های کلان، ماهی های خورد را بخورید "

مسئولیت حقوقی :

از حقوق یونان و روم باستان يك اصل حقوقی وجود دارد که تا کنون و در حقوق معاصر بین المللی نیز کماکان معتبر شناخته می شود که عبارت از :

(pacta sunt servanda - قرارداد ها باید اجرا گردد) می باشد . (اوفو بالعهود و اوفو بالعقود) از همان هوگو گروسیوس هالندی و مولف کتاب پر شهرت او « حقوق جنگ و صلح » (۱۶۲۵ م) که بحیث پدر حقوق نوین بین المللی شناخته می شود ، صلح ویست فالیا (۱۶۴۸ م) ، کنگره ویانا تا بعد از جنگ جهانی دوم و ایجاد سازمان ملل متحد و تصویب منشور آن سازمان و میثاق بین المللی ، نوعی نظم بین المللی و حاکمیت قانون با تمام کمی و کاستی آن در جهان شکل گرفته است که مرز بین مدنیت و بدویت پنداشته می شود .

هرگاه دولت ایالات متحده امریکا بمثابه عضو سازمان ملل متحد و عضو شورای امنیت آن سازمان به اصول متذکره متعهد است باید مطابق به معیار های حقوق معاهدات و بر طبق احکام کنوانسیون ویانا در مورد معاهدات بین المللی (می ۱۹۶۹ م) به قرارداد ها با دولت افغانستان متعهد و به حق حاکمیت ملی افغانستان احترام نماید .

شکست اخلاقی امریکا :

زبان زور، زور گوئی، قلدرمنشی، اغواگری، پوپولیسم و پشت پا کردن به تعهدات حقوقی و مسوولیت اخلاقی معرف

شکست اخلاقی است که اطوار و کردار آقای ترامپ (زنگی مست) و آقای بایدن که با ذهول عقل مواجه است ، مصداق آن پنداشته می شوند که همچون "اژدهای شرور" به مجسمه آزادی پشت کرده است و باقلدری و زورگوئی و با تبختر انگلوساکسونی مناشیر و موازین قبول شده ای حقوقی و اخلاقی را زیر پا کرده اند .

در واقع این شکست " اخلاقی " امپراتوری امریکا موقف اشغالگر و سیطره طلب آن کشور را مسجل میسازد.

مسئولیت اخلاقی (Moralobligation) امریکا در قبال افغانستان و افغانان :

در حقوق بین المللی معاصر افزون بر اصل مسئولیت حقوقی ، مبحث مسئولیت اخلاقی نیز مطرح است که با افاده :

(Moral obligation) تعریف و با مفاهیم :

(Internation Responsibility و International obligation) تکمیل میگردد .

بر طبق این اصول الزام اور در روابط بین المللی مسئولیت اخلاقی دولت ایالات متحده امریکا در قبال افغانستان مطرح میگردد .

تراژیدی افغانستان معلول و محصول مداخله خارجی است و درین بیشتر از چهار دهه و بیست سال اخیر نقش امریکادر تباهی کشور ما از کفر ابلیس معروفتر است و ارایه دلیل خرما بردن به بغداد اس ت .

امریکا همیشه ریشه تروریسم را در پاکستان آبیاری و شاخ بری انرا به قیمت بخاک و خون کشیدن مردم مظلوم مانجام داده است .

در افغانستان بطور گسترده جنایات جنگی و ضد بشری انجام یافته است ، نظامیان امریکا درین ارتباط متهم و ملزم می باشند . متاسفانه تا کنون در هیچ موردی مجرمین محاکمه نگردیده و به قربانیان جبران خساره پرداخت نگردیده است . (مثل آنکه در حقوق بشر طراز امریکایی خون افغان مظلوم ارزش ندارد)

به عوض دولت، شرکت سهامی فسادسالاران را ایجاد و کلیتوکراسی رادرووجوداقلیت منفورتاجران دین، تیکه داران " جهاد "، دکانداران قوم و جلابان سیاسی را بر مردم حاکم ساخته و در آخر کار با فروپاشی مجموع نظام مصیبت جاری را در کشور مستولی و مردم در معرض قحطی و فاجعه بشری قرار دارند .

نتیجه :

اقای بایدن که با صدور این فرامین مبتذل میخواهد منافع مظلومترین مردم را بحساب « شهکار » ها در خدمت ارتقای اتوریته مقام و موقعیت خود نماید ، این سخن و خشورانه یکی از اسلاف خود (ابرهام لینکن) را بیاد داشته باشد که :

” هیچ معضله حل شدنی نیست تا عادلانه حل نگردد ”

و با قلدر منشی وداع و بنفع تمام بشریت است

تا جهان ما از حالت ، ” جنگل بدون قانون ” به مرحله ” قانون جنگل ” و در مسیر ” مدنیت ” و حاکمیت قانون در مقیاس جهان سیر نماید و در پر تو ان مردم به عزا نشسته افغانستان بخواست هابوا قعی شان که بسیار ساده و انسانی است ، نایل گردند .

من بحیث شاگرد حقوق و مدعی العموم مردم به عزا نشسته افغانستان از تمام همسلکان ، دانشمندان و روشنگران متعهد بوطن و مردم تقاضا مینمایم که :

بخاطر احقاق حق مشروع مردم مظلوم به تمام مراجع ذیربط بین المللی دادخواهی و صدای رسای شانرا متقرب نمایند .

بسیار بموقع و ضرور است تا :

خواست مشروع مردم مظلوم و قربانیان جنگ را بخاطر غرامات و جبران خسارات را همگانی نمایم .

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی

که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

ختم